



نخیل صِنوان و غیر صِنوان (نخل‌های نر و غیر نر « ماده »)
(معنای یک عبارت در قرآن کریم)
بهرام گرامی

در آیه ۴ از سوره ۱۳ (رعد) در قرآن کریم (وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنوانٌ وَغَيْرُ صِنوانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)، عبارت «نَخِيلٌ صِنوانٌ وَ غَيْرُ صِنوانٍ» به معنای «نخل‌های نر و غیر نر» (ماده) است و تصریح دو جنس در آیه مزبور، تضمینی برای باروری و ثمردهی درخت دوپایه یا دو جنسی نخل است.^۱ این مؤلف تا کنون در هیچ یک از ترجمه‌های فارسی یا انگلیسی قرآن کریم و در تفاسیر عربی که طی قرون گذشته منتشر گردیده، برای عبارت «صِنوان وَ غَيْرُ صِنوانٍ» معنای «نر و ماده» را، که با آگاهی‌های علمی امروزی انطباق دارد، ندیده است.^{۲،۳} کلمه «صِنو» فقط در همین یک آیه در قرآن کریم آمده است. در فرهنگ معاصر عربی به فارسی^۴، برای صِنو معانی پسر یا فرزند مذکر، برادر تنی، و عموداده شده و اشاره‌ای به نخل و درخت نشده است. در لغت نامه دهخدا و فرهنگ لغات عربی الرائد^۵ نیز صِنو به معنای برادر و پسر و عمو آمده است. از پیامبر اسلام (ص) نقل است که «أنا و علیّ من صِنوان»^۶ یعنی من و علی از یک اصل و نسب یا از دو برادریم. و نیز به نقل از المنجد «وإنّ عمّ الرجل صِنو ابیه، یعنی عموی او همزاد پدر اوست».^۷ در مدخل شماره ۲۰۱۱۰ تفسیر طبری نقل گردیده که عباس عموی پیامبر (ص) به عمر بن الخطاب چیزی گفت که او را خوش نیامد. عمر پاسخی نداد و شکایت به پیامبر (ص) برد. پیامبر (ص) به عمر گفت: «یرحمک الله، عمّ الرجل صِنو ابیه» یعنی «رحمت خدا بر تو باد، همانا عموی هرکس برادر پدر اوست» (شاید به این اشاره که

نخیل صنوان و غیرصنوان □ ۵

عمو اصلیت و احترام پدر را دارد). در دو شکل دیگر از این روایت، پیامبر (ص) پاسخ می‌دهد: «هر که عباس را بیازارد، مرا آزرده، زیرا او بازمانده پدری من است و عموی هر کس به منزله پدر اوست» و «ای عمر، آیا فکر نمی‌کنی که عموی هر کس برادر پدر اوست؟»^۸ در همه این موارد صنو مفهوم مذکر دارد و در آیه مزبور نیز صنو صفت نخل است و باید به نخل نر اشاره داشته باشد، و چون نخل دارای دو جنس متمایز بر روی دو پایه جدا از هم است، لاجرم غیر صنو هم در اشاره به نخل ماده است.

در لغت نامه دهخدا، به نقل از منابع مختلف، در مقابل صنو معانی مجازی و کاربردی دیگری چون «چوب ردی و هیچ کاره»، «گو (گودال) معطل و بی‌کار و خالی» و «الحفرالمعطل» (چاه متروک و به آب نرسیده) آمده که همه مفهوم بی‌فایده‌گی و بی‌حاصلی را دارند و با بی‌ثمری نخل نر همخوانی دارند. در عبارت «شهبازده صنوی است از نهال کیانی و قنوی از نخیل کیخسروی»^۹، صنو به شاخی از شجره شاهی اشاره دارد و به معنای پسر پادشاه است و برای رد انتساب بیهودگی و بی‌خاصیتی به شاهزاده، بلافاصله از او به عنوان قنوی یعنی ثمر نخل یا خوشه خرما نام برده می‌شود. دو واژه صنو و قنوی یا صنوان و قنوان (آیه ۹۹ از سوره ۶/انعام) به ترتیب به معنای نخل بی‌بار و بار نخل در مقابل هم قرار دارند.

در بعضی ترجمه‌های قرآن کریم صنو را مثل و مانند و «نخیل صنوان و غیرصنوان» را نخل‌های همانند و غیرهمانند گفته‌اند که نادرست است؛ از جمله در زبدة التفسیر،^{۱۰} عبارت صنوان و غیرصنوان به صورت «أصناف متماثلات و أصناف غیر متماثلات» یا «انواع همانند و غیرهمانند» معنا شده است، و حال آنکه در دو آیه ۹۹ و ۱۴۱ از سوره ۶/انعام که مشابهت و همانندی مورد نظر است، به روشنی گفته شده: «جَنَاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الْأَلْمُنِ مُمْتَلِئَاتٍ وَ غَیْرَ مُمْتَلِئَاتٍ» یعنی «باغ‌های انگور و [درختان] زیتون و انار [پدید آورده‌ایم] که همانند و ناهمانند هستند»^{۱۱} و «الزَّيْتُونِ وَ الْأَلْمُنِ مُمْتَلِئَاتٍ وَ غَیْرَ مُمْتَلِئَاتٍ» یعنی «درخت زیتون و انار که همانند و ناهمانندند».^{۱۱} تعبیر نادرست همانندی برای واژه صنو از این قول ابن منظور (۶۳۰ تا ۷۱۱ قمری) ناشی می‌شود که «صنو را برادر و عمو و فرزند و معنای مَوْسَع آن را چیزهایی می‌داند که ریشه واحد دارند».^{۱۱} ابن منظور تصریح می‌کند که واژه صنو در اصل از نخل پدید آمده و کاربرد اولیه آن در مورد نخل بوده است، ولی بعداً معنای تعمیم یافته آن همزاد یا هم بسته و یکی از دو، یا یکی از چند شده است، تا حدی که وجود یک صنو بستگی به صنوی

□ ۶ ترجمان وحی

دیگر پیدا می‌کند، تقریباً به مثابه دو بال پرنده.^{۱۲} از باب مثال، «فالشعر و الغناء صنوان» یعنی «شعر و آواز وابسته به هم‌اند» یعنی نمی‌توان بدون شعر آواز خواند، و در مثال دیگر، «والشعر العربی صنو الشعر العربی الفصیح الجاهلی» یعنی «شعر امروز عربی همزاد یا برخاسته از شعر شیوای عربی قبل از اسلام است». حتی شاعر نسبتاً متأخر صفا اصفهانی (۱۲۶۹ تا ۱۳۲۲ قمری) صنو را به معنای شاخه، آن هم شاخهٔ باردهنده، آورده است: برکن درختِ آز و منیت که این دو صنو / از بیخ جهل رُسته و بار آورد خری. این وسعت معنا سبب گردیده که عبارت «هما صنوانخلة» به صورت نادرست «این دو، دو شاخه از یک درخت خرماست که از ریشهٔ آن جوانه زده» و عبارت «فلان صنو ابیه»^{۱۳} نیز به صورت «فلانی شاخه و جوانهٔ پدر خویش است» ترجمه شود.

در ترجمه‌ها و تفسیرهایی که این مؤلف تا کنون دیده است، مترجمان و مفسران - که به اقتضای زمان با مفهوم نرو ماده برای عبارت «صنوان و غیرصنوان» آشنا نبوده‌اند - جای این معنا را غالباً با عباراتی نامتناسب و نامفهوم پُر کرده‌اند، و همین عبارات نادرست (که سخت شبیه یکدیگرند) به دهها و صدها ترجمه و تفسیر راه یافته‌اند (ضمائم ۱ و ۲ و ۳). از باب نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود. در مفردات راغب، «صنو به معنای شاخه و جوانه‌ای است که از بیخ تنهٔ درخت روییده باشد» و در تفسیر نور «کلمهٔ صنوان جمع صنو به معنای شاخه‌ای است که از اصل [ریشه] درخت خارج می‌شود». هر دو تفسیر به «پاجوش» اشاره دارد که از بن نخل برمی‌آید. در تفسیر مجمع‌البیان نیز «صنوان به مفهوم نخل‌های چند تنه است که همه از یک ریشه سر بر آورده باشند و غیرصنوان به معنای درخت خرما یا یک تنه است که بر یک ریشه روییده باشد» که باز اشاره به پاجوش‌های نخل است. اما در دانش‌نامهٔ موضوعی قرآن از انتشارات مرکز فرهنگ و معارف قرآن، جمله‌پردازی غیرضروری و توضیح بی‌پایهٔ زیر، مبهم بودن موضوع را برای نویسندهٔ آن به خوبی نشان می‌دهد: «درخت‌های خرما از نوع صنو و غیرصنو وجود دارد. صفات و خصوصیات میان درختان به صنو و غیرصنو بودن آنها بستگی دارد: درختی که از درخت دیگر روییده باشد صنو نامیده می‌شود و درختی که از بذر روییده باشد غیرصنو نامیده می‌شود. آیهٔ ۴ سورهٔ رعد صفات و خصوصیات درختان را به صنو و غیرصنو بودن آنها مربوط می‌داند» و در زیر این شرح، شکل دو گیاه شبیه به توت‌فرنگی نیز برای نشان دادن فرق صنو و غیرصنو ارائه شده است.^{۱۴}

□۷ نخیل صِنوان و غیرصِنوان

شرح و تفسیر عبارت «صِنوان و غیرصِنوان» در متون عربی نیز بی‌شبهت به ترجمه‌های فارسی و انگلیسی نیست. در تفاسیر معروف عربی چون تفسیر ابن کثیر تألیف اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی، تفسیر القرطبی تألیف محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی، تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود البغوی، تفسیر التحریر والتنویر تألیف محمد الطاهر ابن عاشور و تفسیر کشاف نیز صِنوان به همان معنای نخل‌های روئیده از یک ریشه آمده است. در تفسیر معروف طبری، توسط محمد بن جریر الطبری (۲۲۴ تا ۳۱۰ قمری)، زیر مدخل‌های شماره ۲۰۰۸۷ تا ۲۰۱۱۱ شرح و تفسیر مفصلی از صِنوان و غیرصِنوان در آیه مورد بحث آمده و در زیر هر مدخل اسامی ناقلان و راویان آن ذکر شده است. جمع‌بندی دقیق ده‌ها قول و روایت در این تفسیر این نتیجه را به دست می‌دهد که صِنوان به معنای چند نخل مجتمع و باهم است که از یک ریشه مشترک روئیده باشد و غیرصِنوان به معنای نخل‌های غیرمجمع و متفرق و منفرد است که از ریشه‌های جدا از هم روئیده باشد. در مدخلی از این تفسیر آمده که در نخل‌های صِنوان، بعضی از تنه‌های روئیده از یک ریشه بارورند و بعضی بی‌ثمر (که در مورد نخل امری محال است)، و در مدخلی دیگر آمده که در تنه‌های بارور حتی نوع میوه متفاوت است. در تفسیر الکبیر مسمی به البحرالمحیط تألیف اثیرالدین ابو عبدالله محمد بن یوسف الأندلسی و برخی از دیگر تفاسیر، صِنو به معنای عام نخل آمده و غیرصِنو تأکید بر نوع خاص نخل از نظر مزه میوه است.

امروزه بسیاری از فرهنگهای عربی، و به تبع آن فرهنگهای فارسی متأثر از برداشت‌های پیشینیان از کلمه صِنوان در آیه مورد نظر است. در فرهنگ لغات الرائد، صِنوان به صورت «كُلُّ من النخلتين الخارجتين من اصل واحد» یا «هر یک از نخل‌هایی که از ریشه واحد روئیده باشد» معنا شده است. در لغت‌نامه دهخدا، در برابر واژه صِنو به نقل از منابع مختلف این توضیحات نیز آمده که «هر واحد از چند تنه درخت که همه از یک بیخ رُسته باشد یا خاص است به خرما بئن»، «تنه درخت که با تنه دیگر از یک بیخ باشد» و «آن خرما بئن که از بئن دیگری رُسته بود»، و در فرهنگ بزرگ سخن، که تازه‌ترین در نوع خود است، واژه صِنو به صورت «هر یک از درختانی که از یک ریشه روئیده‌اند» معنا شده است. این گونه شرح و توضیحات نادرست ناچار مورد استفاده مفسران و مترجمان بعدی قرار می‌گیرد.

گفتنی است که قبل از آیه ۴ سوره رعد که حاوی عبارت «نَخِیلٌ صِنوان و غیرصِنوان»

است، در بخشی از آیه ۳ همان سوره چنین آمده که «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» یعنی «و در آن از هر بار و بری زوجی دوگانه آفرید (۱۱)». طنطاوی در تفسیر جواهر ذیل عبارت «زوجین اثنین»، بر اساس معلومات جدید، به درستی می گوید: «خداوند در زمین از هر صنفی از میوه‌ها زوج قرار داده، یعنی دو تا، یکی نر و یکی ماده، که ازدواج آنها در گُل هایشان صورت می‌گیرد. علم جدید هم این معنا را کشف نموده و ثابت کرده است که هر درخت و زراعتی میوه و دانه نمی‌بندد مگر اینکه نر و ماده آن با هم درآمیزند. چیزی که هست گاهی عضو نر با خود ماده و درخت و بوته ماده است، مانند بیشتر درختان، و گاهی عضو نر در یک درخت است و عضو ماده در درختی دیگر، مانند درخت خرما». شگفت آنکه عبارت «زوجین اثنین» در آیه ۳ و شرح مقبول طنطاوی راهنمای مترجمان و راهگشای مفسران برای تفسیر «صنوان و غیرصنوان» به نر و ماده در آیه ۴ قرار نگرفته است و اغلب مفسران عبارت «زوجین اثنین» را به دوگانگی از حیث نوع، مانند تابستانی و زمستانی، شیرین و ترش، تر و خشک، و ... معنا کرده‌اند. شگفت‌تر آنکه تفسیر معتبر المیزان^{۱۵} نظر طنطاوی را بدین گونه مردود دانسته است: «گفتار وی هرچند از حقایق علمیه‌ای است که هیچ تردیدی در آن نیست، و لیکن ظاهر آیه کریمه با آن مساعدت ندارد، زیرا ظاهر آن این است که خود میوه‌ها زوج و دو تا هستند، نه اینکه از درختی خلق می‌شوند که آن درخت‌ها زوج و دو تایی باشند، و اگر مقصود، درخت‌های آنها بود، مناسب بود بفرماید «و کُلِّ الثمرات جعل فیها من زوجین اثنین - و همه میوه‌ها را از دو جفت قرار داد».

با آنکه طی یکی دو قرن گذشته پدیده جنسیت در گیاهان و دو جنس بودن نخل در زمره معلومات عمومی به شمار می‌رفته، معهذاطی این مدت از میان صدها مترجم و مفسر قرآن کریم کسی از سر شوق و طلب به کندوکاو نپرداخته و به این معنا دست نیافته است. به نظر می‌رسد دانش دینی همگام با علوم جدید نیست و با بعضی دانسته‌های علمی همخوانی ندارد.



نخل صنوان و غیرصنوان ۹ □

برای کمک به تهیه منابع لازم، از دکتر احمد الافندی در دانشگاه ایالتی مینه سوتا (وینونا) برای ترجمه برخی متون عربی، و از عالمانی که پیشنویس مقاله را قبل از نشر خواندند و نظرات صائب و سودمندی ارائه نمودند.

یادداشت‌ها

۱. استاد بهاء‌الدین خرمشاهی در مقاله‌ای که زیر عنوان «طبیعت الهی یا الهیات طبیعی» در پاسخ به نامه یکی از نویسندگان در این باره نوشته‌اند، اظهار داشته‌اند: «چیزی که مسلم است، در قرآن کریم، در مورد نخل به صنوان و غیر صنوان اشاره شده است (رعد، ۴) که به معنای نر و ماده است.» ایشان افزوده‌اند که: «رجوع کنید به کتاب گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی نوشته دکتر بهرام گرامی». [نخل و خرما در قرآن کریم، بهرام گرامی، گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی (تشبیهات و استعارات)، با مقدمه ایرج افشار، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۶، صفحه ۳۶۸]. آگاهی از این مناظره و اشاره به نکته‌ای در کتاب این جانب سبب گردید تا در این مورد، بدون ورود به بحث فوق‌الذکر، توضیح بیشتری دهم.

۲. مصریان قدیم و مردمان بین‌النهرین از وجود دو نوع نخل بارور و بی بر اطلاع داشتند، آن دو را از هم تمیز می‌دادند و لزوم گرده‌افشانی با دست بین آن دو را می‌دانستند، ولی ماهیت دوگانه نخل و نیاز یکی را به دیگری برای بارور شدن، به پدیده جنسیت در گیاه و دو جنس بودن نخل نسبت نمی‌دادند. نخستین بار پزشک و گیاه‌شناس آلمانی (Rudolph Jacob Camerarius) در دو مقاله، در سالهای ۱۶۹۴ و ۱۶۹۷، نشان داد که در گیاهان نیز جنسیت وجود دارد و دانه گرده در پرچم یا اندام نر، تخمک‌های مادگی یا اندام ماده را تلقیح می‌کند و تخمدان بارور شده به میوه تبدیل می‌شود. بعدها با مشاهده صفات هر دو گیاه پدری و مادری در میوه، از مشارکت هر دو جنس در تولید مثل یقین حاصل شد.

[The History of the Discovery of Sexuality in Plants, Duncan S. Johnson, Science, Feb. 27, 1914.]

۳. گیاهان دوپایه که اندامهای جنسی نر و ماده بر روی دو گیاه جدا از هم قرار دارند، از جمله نخل و بید و شاهدانه و اسفناج. در گیاهان یک پایه، هر دو اندام نر و ماده بر روی یک گیاه قرار دارد، و خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: یا گل‌های نر و ماده جدا از هم بر روی یک گیاه‌اند، مانند ذرت و خیار، و یا اندامهای نر و ماده در داخل یک گل قرار دارند، مانند سیب و

□ ۱۰ ترجمان وحی

گندم و صدها گیاه معروف دیگر. باروری طبیعی نخل یعنی انتقال گرده نر به خوشه ماده توسط باد یا حشرات محصول چندانی تولید نمی‌کند و لذا گرده‌افشانی با دست برای تولید اقتصادی خرما ضروری است. گرده یک نخل نر برای بارور کردن بیش از ۵۰ نخل ماده کافی است. در برخی مناطق نخل خیز می‌توان خوشه‌های پُرگرده نخل یا در واقع گل‌آذین نر آماده برای گرده‌افشانی را از دستفروشان بازار محلی خریداری نمود.

۴. فرهنگ معاصر عربی فارسی، عبدالنبی قیّم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۱.

۵. الرائد، مُعْجَم لُغَوِي عَصْرِي رُتِبَتْ مُفْرَدَاتُهُ وَفَقاً لِحُرُوفِهَا الْاُولَى، جُبران مسعودف، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۶۷.

6. www.tahour.net/content/view/245/12/

در این مأخذ، صنوان به دو شاخه درختی گفته شده که از یک ریشه در خاک روییده باشد.
۷. فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، ترجمه المنجد (با اضافات)، نویسنده (مترجم): احمد سیاح (با مقدمه استاد حسن زاده آملی و استاد محمدتقی جعفری)، چاپ چهارم، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۸۲، جلد اول، صفحه ۱۰۸۲.
۸. در برخی از زبانهای آفریقایی، واژه عمو یا دایی و عمّه یا خاله و برادرزاده یا خواهرزاده وجود ندارد. بزرگ‌ترها را پدر یا مادر و کوچک‌ترها را پسر یا دختر (و دیگران را برادر یا خواهر) می‌نامند.

۹. شرف الدین قزوینی، ۶۶۰ تا ۷۴۰ قمری (به نقل از فرهنگ بزرگ سخن، مدخل صنو).

۱۰. القرآن الکریم و بالهامش زبدة التفسیر من فتح القدير، محمد سلیمان عبدالله الاشقر، الطبعة الثانية، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، دولة الكويت، ۱۹۸۸.

۱۱. قرآن کریم، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، انتشارات دوستان، تهران، ۱۳۷۹.

۱۲. لسان العرب، لابن منظور جمال‌الدین محمد بن مکرم الانصاری (۶۳۰ تا ۷۱۱ قمری)، الدار المصرية للتأليف والترجمة، الجزء التاسع عشر، صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵.

۱۳. در زبان انگلیسی هم می‌گویند: like father, like son

14. www.maarefquran.com/Files/links/cache.php?linkId=4601

در سایت زیر نیز تحت عنوان «اعجاز در گیاهان» همان توضیح از دکتر نظمی خلیل

□ ۱۱ نخیل صِنوان و غیرصِنوان

ابوالعطاء دیده می شود:

www.55a.net/firas/farisi/?page=show_det&id=50&select_page=20

۱۵. ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۱، صفحه ۳۹۷ تا ۳۹۹.

آیات دیگر در مورد نخل و خرما در قرآن کریم

الف) در قرآن کریم بیست بار از نخل (یا جمع آن نخیل یا واحد آن نخله)، نام برده شده که در هشت آیه به تنهایی و در دوازده آیه با سایر میوه‌ها مانند انگور و زیتون و انار آمده است: (۱) آیه ۲۶۶ از سوره ۲ (بقره)، آیه ۹۹ از سوره ۶ (انعام)، آیه ۳ از سوره ۱۴۱ از سوره ۶ (انعام)، آیه ۴ از سوره ۱۳ (رعد)، آیه ۵ از سوره ۱۱ از سوره ۱۶ (نحل)، آیه ۶ از سوره ۱۶ (نحل) و مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا... یعنی: و از خرما و انگور نوشیدنی مستی بخش و خوراک نیکو به دست می‌آورید... (۷) آیه ۹۱ از سوره ۱۷ (اسراء)، آیه ۳۲ از سوره ۱۸ (کهف)، آیه ۹ از سوره ۱۹ (مریم)، آیه ۱۰ از سوره ۲۵ از سوره ۱۹ (مریم)، آیه ۱۱ از سوره ۷۱ از سوره ۲۰ (طه)، آیه ۱۲ از سوره ۱۹ از سوره ۲۳ (مؤمنون)، آیه ۱۳ از سوره ۲۶ (شعراء)... وَ نَخْلٍ طَلَعَهَا هَضِيمٌ، یعنی: و نخل‌هایی با میوه‌های لطیف و گوارا و زود هضم (طَلَع میوه نوتشکیل و ناپخته نخل است که در اینجا بر لطافت و زود هضمی آن تأکید شده است)، آیه ۱۴ از سوره ۳۴ (یس)، آیه ۱۵ از سوره ۵۰ (ق)، آیه ۱۶ از سوره ۵۴ (قمر) تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ، یعنی: [باد] مردمان را از جا می‌کند، همچون نخل‌هایی که ریشه‌کن شوند (ریشه نخل، به رغم قامت بلند و استوار آن و برخلاف درختان پهن برگ، چندان عمیق نیست و به همین دلیل انتقال آن از خاستگاهش به جای جدید برای تزیین در محوطه‌سازی نسبتاً آسان و متداول است)، آیه ۱۷ از سوره ۵۵ (الرحمن)... وَ أَلْتَنَخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ، یعنی: نخل‌هایی با میوه درون پوشینه (اکمام پوشینه خوشه خرماست به مثابه مشیمه یا کیسه جنین در انسان)، آیه ۱۸ از سوره ۶۸ از سوره ۵۵ (الرحمن)، آیه ۱۹ از سوره ۶۹ (حاقه)... كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ، یعنی: ... همچون نخل‌های تو خالی ریشه‌کن شده (به شرح مشابه برای آیه ۲۰ از سوره ۵۴/قمر) و آیه ۲۹ از سوره ۸۰ (عبس).

ب) علاوه بر نخل، کلمه «نقیر» به معنای شکاف هسته خرما در آیه‌های ۵۳ و ۱۲۴ از سوره

۴ (نساء)، کلمه «قطمیر» به معنای پوسته نازک هسته خرما در آیه ۱۳ از سوره ۳۵ (فاطر)، کلمه

□ ۱۲ ترجمان وحی

«عرجون» به معنای برگ بادبزنی نخل با محور میانی خمیده (که ماه نو بدان تشبیه شده) در آیه ۳۹ از سوره ۳۶ (یس)، کلمه «لینه» به معنای «هرچیزی که از درخت خرما باشد بجز خرمای فشرده و به هم چسبیده» در آیه ۵ از سوره ۵۹ (حشر)، کلمه «نوی» احتمالاً به معنای هسته خرما در آیه ۹۵ از سوره ۶ (انعام)، «طلع» به معنای شکوفه یا میوه اولیه خرما در آیه ۹۹ از سوره ۶ (انعام)، «مسد» به معنای الیاف روئیده بر قاعده شاخه یا برگ نخل (که از آن طناب می‌سازند) در آیه ۵ از سوره ۱۱۱ (المسد) و «جنی» به معنای میوه (به احتمال زیاد خرما) در آیه ۵۴ از سوره ۵۵ (الرحمن) در قرآن کریم آمده است. به نقل از دایرة المعارف قرآن:

Encyclopaedia of the Qur'an (under Date Palm), Jane Dammen McAuliffe (ed.), Brill, Leiden-Boston-Koln, 2001, pp. 494-495.

ضمیمه شماره یک

عبارت «نَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَ غَيْرُ صِنَوَانٍ» در آیه ۴ از سوره ۱۳ (سوره رعد)، به معنای «نخل‌های نر و غیرنر (ماده)»، در ۳۱ ترجمه فارسی قرآن کریم به صورتهای زیر آمده است:

۱. خرما بنان درختان دو ساق و سه ساق و چهار ساق و یک ساق،
۲. نخل‌هایی که دو تنه از یک ریشه رُسته است یا یک تنه از یک ریشه،
۳. درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه،
۴. خرما بنان هم‌ریشه و ناهم‌ریشه،
۵. درختهای خرما در آن وجود دارد که بعضی از یک ریشه و اصل است و برخی از ریشه‌های مختلف،
۶. خرما بنان از یک ریشه رُسته و از یک ریشه نارُسته،
۷. خرما بنان دو تا از یک اصل رُسته،
۸. درخت خرمای چنگ‌شاخه‌ای و غیر چنگ‌شاخه‌ای،
۹. نخل، از یک بن و غیر یک بن،
۱۰. درختهای خرما چند شاخ رُسته از یک بیخ و غیر آن،
۱۱. خرما بنان که اصل‌های بعضی یکی و اصل‌های بعضی از یکدیگر گسسته،
۱۲. درختهای خرما در آن وجود دارد که بعضی از یک ریشه و اصل است و برخی از ریشه‌های مختلف،

نخل صِنوان و غیرصِنوان □ ۱۳

۱۳. خرمای چند دو تا از یک اصل رُسته و غیر آن،
۱۴. نخلستان آن هم نخل‌های گوناگون،
۱۵. خرما خوشه‌دار و بی‌خوشه، چنان به هم پیوسته است، ... و از یک شاخ، بلکه از اصل‌ها و ریشه‌های مختلف، شاخه‌های مختلف،
۱۶. درختهای خرما است که بعضی از آن درختهای خرما دارای چند تنه و یک ریشه هستند و برخی دارای یک تنه و یک ریشه،
۱۷. خرما بن رُسته از یک بُن و نارُسته از یک بُن،
۱۸. نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه،
۱۹. خرما بن‌هایی روئیده از یک ریشه و نه از یک ریشه،
۲۰. نخل، از یک بُن و غیر یک بُن،
۲۱. درختان خرمانند، از یک بنه برآمده و بعضی دگر نه از آن اصل،
۲۲. نخل‌ها که برخی یک ریشه و بُن دارند و برخی بیشتر از یک ریشه،
۲۳. خرما بنان به هم از یک بیخ رُسته و جز آن که به هم از یک بیخ رُسته، ای مُلْتَف و غیر مُلْتَف [در هم پیچیده و در هم نیچیده]
۲۴. درختان خرما چند شاخه و تنه از یک ریشه یا غیر یک ریشه،
۲۵. خرما بنان از یک ریشه رُسته و از یک ریشه نارُسته،
۲۶. نخلستان آن هم نخل‌های گوناگون (درشت و ریز و سیاه و قرمز و زرد)،
۲۷. خرما، همانند و ناهمانند،
۲۸. به یک جا بود نخل روی زمین / همه نخل‌ها گونه‌گون همچین،
۲۹. نخلستان‌های یک پایه و دو پایه،
۳۰. نخلستان، آنهم نخل‌های گوناگون،
۳۱. درختان خرمای دو ساقه (از یک ریشه دو تنه بروید) و یک ساقه.

فهرست منابعی که ۳۱ ترجمه فارسی بالا به ترتیب از آنها نقل گردیده است:

۱. قرآن کریم، با ترجمه واژه به واژه آن [بدون هرگونه توضیح و تفسیر] از کشف الاسرار ابوالفضل رشیدالدین میبدی (از عرفای نیمه نخست قرن ششم هجری)، از روی متن مصحح علی اصغر حکمت، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۵۱. تفسیر کشف الاسرار میبدی در اصل اثر

□ ۱۴ ترجمان وحی

خواجه عبدالله انصاری است و عظیم‌ترین و قدیم‌ترین تفسیر عرفانی فارسی محسوب می‌شود.

۲. قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی (ویراستار: موسی اسوار)، انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۷.

۳. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق و نشر، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران و قم، ۱۳۷۳.

۴. قرآن کریم، ترجمه سید علی موسوی گرمارودی، نشر قدیانی، ۱۳۸۷.

۵. قرآن کریم با معنای فارسی، با استفاده از نسخه‌های تصحیح شده تفسیر ابوالفتح رازی و تفسیر کشف الاسرار میبدی (اثر خواجه عبدالله انصاری) و منتخب التفاسیر مهدی الهی قمشه‌ای به قلم حکمت آل آقا، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۰.

۶. قرآن کریم، ترجمه جلال الدین فارسی، انتشارات انجام کتاب، ۱۳۶۹.

۷. قرآن مجید، مترجم، کتابفروشی اسلامیّه، تهران، ۱۳۴۴.

۸. قرآن کریم، زیر نظر آیت الله مشکینی، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم، قم و تهران، ۱۳۷۵.

۹. قرآن مجید، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ناشر؟، محل؟، ۱۳۵۴.

۱۰. قرآن مجید، با خلاصه التفاسیر، شیخ رضا (سراج)، کتابفروشی و چاپخانه محمد علی علمی، تهران، ۱۳۴۷.

۱۱. تفسیر نسفی، ابو حفص نجم الدین عمر نسفی (۴۶۲ تا ۵۳۸ قمری)، به تصحیح عزیزالله جوینی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۳.

فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۳.

۱۲. قرآن کریم، ترجمه حکمت آل آقا، انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکاء، تهران، ۱۳۵۳.

۱۳. قرآن کریم، عباس مصباح‌زاده، انتشارات محمد علی علمی، تهران، ۱۳۳۷.

۱۴. قرآن مجید، ترجمه بصیرالملک از روی قرآن معروف سلطانی، انتشارات جاویدان، محل؟، سال؟

۱۵. قرآن کریم، ترجمه و تفسیر عمادزاده، نشر مترجم و مفسّر، تهران، ۱۳۸۵ قمری.

۱۶. قرآن عظیم، با ترجمه و خلاصه تفسیر به قلم فیض الاسلام، ناشر؟، محل؟، ۱۳۴۸.

نخيل صنوان و غيرصنوان ۱۵ □

۱۷. اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم، عبدالله محمود شحاته، ترجمه محمد باقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۱۸. قرآن مجید، ترجمه آیه الله ناصر مکارم شیرازی، تحقیق و نشر، دارالقرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۹. قرآن حکیم، ترجمه و توضیح از سید جلال الدین مجتوبی (ویرایش حسین استادولی)، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۱.
۲۰. قرآن مجید، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۶.
۲۱. تفسیر نور علی نور: تعلیقات علامه ابوالحسن شعرانی بر روض الجنان و روح الجنان، به کوشش محسن صادقی و عباسعلی مردی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴.
۲۲. قرآن حکیم، ترجمه طاهره صفارزاده، انتشارات کلهر، تهران، ۱۳۸۱.
۲۳. تفسیر سورآبادی «تفسیر التفاسیر»، ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی، به تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۱.
۲۴. قرآن مجید، ترجمه شیخ محمود یاسری، تجدید نظر و اصلاحات توسط شیخ مهدی حائری تهرانی، بنیاد فرهنگی امام مهدی، ۱۳۷۳.
۲۵. قرآن مجید، ترجمه و جمع‌آوری تفسیر از زین العابدین رهنما، چاپ کیهان، ۱۳۴۹.
۲۶. قرآن و پدیده‌های طبیعت از دید دانش امروز، یحیی نظیری، سحاب کتاب. تهران. ۱۳۵۸.
۲۷. قرآن کریم، همراه با ترجمه، توضیحات، واژه‌نامه، بهاءالدین خرمشاهی، چاپ سوم، انتشارات جامی و نیلوفر، تهران، ۱۳۷۶.
۲۸. قرآن مجید، با ترجمه شعری، امید مجد، چاپ دهم، انتشارات امید مجد، تهران، ۱۳۸۰.
۲۹. گیاهان دارویی در قرآن، تألیف محمد اقتدار حسین فاروقی، ترجمه پیمان مهاجری، چاپ دوم، فرهنگ مشرق زمین، تهران، ۱۳۸۴.
۳۰. قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، بدون تاریخ.
۳۱. معارف قرآن (در سه جلد)، آیت الله مصباح یزدی، جلد دوم، ص ۲۷۱.

ضمیمه شماره دو

عبارت «نَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَ غَيْرِ صِنَوَانٍ» در آیه ۴ از سوره ۱۳ (سوره رعد)، به معنای «نخل های نرو غیرنر (ماده)»، در ۲۳ ترجمه انگلیسی قرآن کریم به صورتهای زیر آمده است:

1. Palm trees having one root and (others) having many,
2. Palms in pairs, and palms single,
3. Palms growing together (from one root) and not growing together,
4. Palms in pairs, and palms single,
5. Palm trees-growing out of single root or otherwise,
6. Palm-trees with roots joined together and with roots not joined,
7. Date palms, like and unlike, or it may be "growing thickly or alone",
8. Palm-trees with roots joined together and with roots not so joined,
9. Palm-trees springing several from the same root, and singly from distinct roots,
10. Palm trees, (growing) several from a root or otherwise,
11. Date-palms of single and many roots,
12. Palm-trees growing from one root and distinct roots,
13. Groves of palms, single and clustered over,
14. Palm trees with single and double trunks,
15. Palm-trees springing several from the same root, and singly from distinct roots,
16. Date-palms, some growing from one root and others from separate roots,
17. Date palms, from the same root and otherwise,
18. Palm trees-dioecious and non-dioecious,
19. Date-palms growing in clusters from one root but standing alone,
20. Date-palms, growing together from one root and *others* not so growing,
21. Palm trees, growing out of single roots or more,
22. Date-palms, growing in clusters and otherwise,
23. Date-palm trees, some forked, some with single trunks,

ترجمه فارسی ۲۳ عبارت انگلیسی بالا توسط این مؤلف:

۱. نخل هایی با یک ریشه و (نخل های دیگر) با بسیار ریشه،

۲. نخل های جفتی و نخل های تکی،

۳. نخل هایی که با هم (از یک ریشه) می رویند و نخلهایی که با هم نمی رویند،

□ ۱۷ نخیل صِنوان و غیرصِنوان

۴. نخل‌های جفتی و نخل‌های تکی،
 ۵. نخل‌هایی که از یک ریشه می‌رویند و نخل‌های غیر از آن،
 ۶. نخل‌هایی با ریشه‌های به هم پیوسته و با ریشه‌های نا به هم پیوسته،
 ۷. نخل‌های خرما، همانند و غیر همانند، یا شاید «با رویش متراکم یا منفرد»،
 ۸. نخل‌هایی با ریشه‌های به هم پیوسته و با ریشه‌های نه چندان به هم پیوسته،
 ۹. نخل‌هایی هر چندتا برآمده از یک ریشه، و به صورت منفرد برآمده از ریشه‌های متمایز از هم،
 ۱۰. نخل‌هایی هر چندتا (روئیده) از یک ریشه یا نخل‌های غیر از آن،
 ۱۱. نخل‌های خرما با یک ریشه یا بسیار ریشه،
 ۱۲. نخل‌های روئیده از یک ریشه و روئیده از ریشه‌های متمایز،
 ۱۳. نخلستان‌هایی با نخل‌های منفرد و نخل‌های سربه هم آورده،
 ۱۴. نخل‌هایی با تنه‌های منفرد و مضاعف،
 ۱۵. نخل‌هایی به صورت چندتایی برآمده از یک ریشه و به صورت منفرد از ریشه‌های متمایز از هم،
 ۱۶. نخل‌های خرما، بعضی روئیده از یک ریشه و بقیه از ریشه‌های جداگانه،
 ۱۷. نخل‌های خرما روئیده از یک ریشه و نخل‌های غیر از آن،
 ۱۸. نخل‌های دوپایه و غیر دوپایه،
 ۱۹. نخل‌های خرما روئیده به صورت مجتمع از یک ریشه ولی با تنه قائم منفرد،
 ۲۰. نخل‌های خرما روئیده با هم از یک ریشه و نخل‌های دیگر نه چندان روئیده،
 ۲۱. نخل‌هایی روئیده از ریشه‌های منفرد یا غیرمنفرد،
 ۲۲. نخل‌های خرما روئیده به صورت مجتمع و نوع غیر از آن،
 ۲۳. نخل‌های خرما، بعضی منشعب و بعضی با تنه‌های منفرد،
- فهرست منابعی که ۲۳ ترجمه انگلیسی بالا به ترتیب از آنها نقل گردیده است:

1. *The Holy Koran Interpreted*. Translation by S. V. Mir Ahmed Ali and Edited by Yasin T. al-Jibouri. First US Edition 2005. United Muslim Foundation, Lake Mary, FL, USA.

2. *A Concordance of the Qur'an*. Hanna E. Kassis. 1983. University of

California Press, USA.

3. *The Qur'an*. Translation by E. H. Palmer. 1965. Motilal Banarsidass, Delhi, India. (First published in 1880 by the Clarendon Press, UK, and later in 1933 by Oxford University Press, London.)

4. *The Kor'an Interpreted*. By Arthur J. Arberry. 1955. George Allen & Unwin Ltd (London) and The Macmillan Co. (New York).

5. *The Holy Qur'an: Text, Translation and Commentary*. By Abdullah Yusuf Ali. 1946. Publications of Presidency of Islamic Courts & Affairs, State of Qatar. (Published in 1995 as Seventh Edition by Amana Publications, Beltsville, MD, USA, and published in 1983 by Sh. Muhammad Ashraf, Lahore, Pakistan. This is also printed and distributed in 1993 as a gift from the Custodian of the Two Holy Mosques King Fahd Ibn Abdul-Aziz.)

6. *The Holy Qur'an. Translation and Commentary* By Zohurul Haque. 2000. Holy Qur'an Publishing Project, Centerville, OH, USA.

7. *The Meaning of the Glorious Qur'an*. Text and Explanatory Translation by Muhammad (Marmaduke) Pickthall, Revised and Edited by Arafat K. El-Ashi. 2001. Amana Publications, Beltsville, MD, USA. (Published in 1909 by Everyman's Library, in 1930 by Alfred A. Knopf, New York, in 1971 by Dar Al-Kitab Allubnani, Beirut, in 1977 by Muslim World League-Rabita, Mecca, Saudi Arabia, and in 1992 by Alfred A. Knopf, New York.)

8. *The Holy Qur'an*. Translation by Al-Haj Hafiz Ghulam Sarwar. 1929. S. M. S. Faruque, The Mosque, Woking, Surrey, England.

9. *The Koran*. Explanatory notes and preliminary discourse by George Sale. 1984. Garland Publishing, Inc., New York & London. (First printed in 1734 by C. Ackers for J. Wilcox, London; Reprinted in 1857; Published as *Alkoran of Mohammed* in 1881 by American Book Exchange, New York; Published in 1887 and 1900 by Frederick Warne and Co., London and New York, and in 1923 by J. B. Lippincott Co., Philadelphia and London.)

10. *The Holy Qur'an*. Compiled by Zaheen Fatima Baig. 2002? Baitul Quran, Karachi, Pakistan.

11. *The Holy Qur'an*. Muhammad Sarwar. 2001. 5th Edition. The Islamic Seminary Inc., NJ, USA.

12. *The Holy Qur'an*. Translation and Commentary by Maulana Muhammad Ali. 1995. Ahmadiyyah Anjuman Isha'at Islam Lahore, Inc., Columbus, OH, USA. (First Edition in 1917; Second Edition in 1951; Sixth Edition 1973.)

13. *The Quran: The First Poetic Translation* by Fazlollah Nikayin. 2000.

□ ۱۹ نخیل صِنوان و غیرصِنوان

The Ultimate Book, Inc., Skokie, IL, USA.

14. *Al-Qur'an*. Translation by Muhammad Farooq-i-Azam Malik. 1997. The Institute of Islamic Knowledge, Houston, TX, USA.

15. *A Comprehensive Commentary on The Qur'an*. Comprising Sale's translation and preliminary discourse, with additional notes and emendations by The Rev. E. M. Wherry. 1896. Kegan Paul, Trench, Trubner & Co. Ltd, London, UK.

16. *The Quran*. Translation by Muhammad Zafrulla Khan. 1991. First American Edition. Olive Branch Press, Brooklyn, New York. (Published in 1971 by Curzon Press Ltd., London, UK.)

17. *The Qur'an*. Translation by Thomas Cleary. 2004. Starlatch Press, USA.

18. *Quran, The Final Testament*. Translation by Rashad Khalifa. Revised Edition II. 2000. Published by Universal Unity, Fremont, CA, USA.

19. *The Holy Qur'an*. Second Edition. 1965. Published under auspices of Hazrat Mirza Bashir al-Din Mahmud Ahmad, Second Successor of the Promised Messiah, by The Oriental and Religious Publishing Corporation Ltd. Rabwah-West Pakistan.

20. *The Holy Qur'an*. Edited by Malik Ghulam Farid. First and Second Editions. 1969. Published under auspices of Hazrat Mirza Nasir Ahmad, Third Successor of the Promised Messiah and Head of the Ahmadiyyah Movement in Islam, by The Oriental and Religious Publishing Corporation Ltd. Rabwah, Pakistan. (Reprinted in 1981 by The London Mosque.)

21. *The Quran: A new Interpretation*. Textual Exegesis by Muhammad Baqir Behbudi; Translation by Colin Turner. 1997. Curzon Press, Surrey, UK.

22. *The Wonderful Quran*. Translation by Pir Salahud-Din. 1969. (Second Printing in 1991) The Quran Publications, Islamabad, Pakistan.

23. *Al-Qur'an: A Contemporary Translation*. Ahmad Ali. 1993. Princeton University Press, NJ, USA.

ضمیمه شماره سه

عبارت «نَخِیلُ صِنوان و غیرصِنوان» در آیه ۴ از سوره ۱۳ (سوره رعد)، به معنای «نخل‌های

نرو غیرنر(ماده)»، در شش سایت اینترنتی زیر:

1. www.tebyan.net/index.aspx?pid=31143&BookID=24714&PageIndex=215&Language=2
2. www.eteghadat.com/forum/forum-f10/topic-t3380.html
3. www.quranology.com/farsi/derakhtan.ht

4. www.binesheno.com/Files/books.php?idVeiw=935&level=4&subid=935
5. www.seraj.ir/engine/View_article.asp?ID=A31328
6. www.n-zaki.blogfa.com/post-344.aspx

به صورتهای زیر ترجمه شده است:

۱. نخل هاگاهی از یک پایه و ساقه می رویند و گاه از پایه های مختلف،
۲. نخل هایی تک ریشه و چند ریشه،
۳. نخل هایی که دو تنه از یک ریشه رسته است یا یک تنه از یک ریشه،
۴. نخلستان های همگون و غیر همگون،
۵. خرما بن، پُریشت و تُنک،
۶. نخل ها، که گاه بر یک پایه می رویند و گاه بر دو پایه.

